



کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

شماره ۱۶

## رصدخانه مراغه

تألیف

علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه

(وزیر علوم در قرن سیزدهم هجری)

بمناسبت نمایشگاه حفریات مراغه

در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران

۰۱۰

۱۵

چاپ بهمن

۶۵۲۴۲

انتشارات

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران



شماره ۱۶

# رصدخانه مراغه

تألیف

علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه



تهران - ۲۵۲۶

## رصدخانه مراغه

در سالهای اخیر حفريات علمی رصدخانه مراغه توسط دانشگاه آذربايجان آغاز شده است و گزارشهایی چند از آنچه تا کنون مکشوف شده بوسیله آقای دکتر پرویز ورجاوند - که نظارت حفاری با ایشان است - به چاپ رسیده است<sup>۱</sup>.

اینک برای تکمیل اطلاعات دو مدرک ناشناخته و مکتوبی را که گواه بر شوق پیشینیان در شناختن این مؤسسه علمی و تاریخچه بازشناسی رصد مراغه بوده است معرفی می کند و بمناسبت ترتیب یافتن نمایشگاه حفريات مراغه و نقشه و عکسهای آنجا با همکاری دانشگاه آذربايجان و دانشگاه تهران و وزارت فرهنگ و هنر در کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران آنها را در رساله مفرد و مستقلى به چاپ می رساند.

فخستين اطلاع، مربوط به عهد صفوی و مأموریتی است که شاه عباس در سال ۱۰۱۹ پس از فتح قلعه دمدم و عزیمت به حدود مراغه، به شیخ بهائی و ملا جلال منجم و ملا علیرضای خوشنویس ( یعنی علیرضای عباسی کتیبه نگار) داد تا نقشه رصد مراغه را رسم کنند. فرزند جلال منجم موسوم به ملا کمال در تاریخ خود اجمالی ازین قضیه را چنین ضبط کرده است:

« حضرت شیخ بهاء الدین محمد و ملا جلال منجم و ملا علیرضای خوشنویس را به مراغه فرستادند که ملاحظه عمارت رصدخانه مراغه را نموده و طرح او را کشیده به نظر اشرف رسانند. »

ملا کمال چون گفته است که در ۲۲ ربیع الاول ۱۰۱۹ شاه در پای

۱- از جمله نگاه کنهده به Varjavand, P. - Rapport préliminaire sur les fouilles de l'observatoire de Marāqeh. *Le Monde Iranien et l' Islam*. Paris, vol. III (1975) pp. 114-124.

قلعه دمدم از خبر فوت حاتم بیگ اعتمادالدوله مطلع شد علی‌الظاهر  
اودرماه ربیع‌الثانی درحدود مراغه بوده است.<sup>۱</sup>

\*\*\*

اطلاع دوم از دوران ناصرالدین شاه قاجار و مربوط است به سال  
۱۲۷۶ قمری مطابق ۱۸۵۹ میلادی، دروقتی که ناصرالدین‌شاه به‌هنگام  
سفر آذربایجان به‌مراغه وارد شد و شاهزاده علیقلی میرزا اعتضادالسلطنه  
در التزام رکابش بود. شاهزاده (که به علوم هیأت و نجوم علاقه‌ای وافر  
داشت) به اتفاق شاهزاده فرهاد میرزا (که از فضایل نامور زمان خود  
بود) و ملاعلی محمد اصفهانی (که از ریاضی‌دانان مشهور زمان بود)  
و میرزا احمدحکیم باشی کاشانی ازخرابه‌های رصد دیدن کرد و شرحی  
از مشاهدات و اطلاعات خود نوشت که خوشبختانه نسخه‌ای که برای  
کتابخانه ناصرالدین‌شاه نویسانیده بوده‌اند بصورت رساله خطی در کتابخانه  
سلطنتی بوده است و اینک در کتابخانه ملی مضبوط است.<sup>۲</sup> ازفواید این  
رساله، رسمی (نقشه) است که ازوضع تپه در آن وجود دارد. ضمناً گفته  
شود که اعتضادالسلطنه مجملی ازین رساله را در شماره هفتم روزنامه  
علمیه ایران نیز درج کرده است. چون رساله مفصل نیست و بخط خوش  
است عیناً بصورت عکسی درینجا به چاپ رسانیده می‌شود.<sup>۳</sup>

اعتضادالسلطنه درین رساله اطلاعات مفیدی را به دست می‌دهد

که به اختصارچنین است:

\* اهل محل آنجارا «رصدداغی» می‌نامیده‌اند.

---

۱- تاریخ صفویان ( خلاصه التواریخ - تاریخ ملاکمال ) تألیف دوفخر

از درباریان شاه عباس دوم به تصحیح و تحشیه ابراهیم دهگان . ارک، ۱۳۳۴.

ص ۶۳. ۲- نسخه‌ای از این رساله به خط نسخ در کتابخانه مجلس شورای

ملی جزء مجموعه اهدائی اعتضادالسلطنه موجود است. ۳- از جناب آقای

سیاوشی مدیر کل کتابخانه ملی متشکرم که عکس نسخه را در اختیارم گذارده‌اند.

\* مؤیدالدین عرضی رساله‌ای در باب آلات و ادوات رصد گاه  
مراغه نوشته و تل رصد را در سمت غربی مراغه معین کردماست . ولی  
تاریخ و صاف و حبیب‌السیر به اشتباه موضع آن را سمت شمالی نوشته‌اند.  
مؤیدالدین عرضی کسی است که خواجه نصیرالدین او را به ساختن  
عمارت مأمور کرده بود .

\* - سطح تپه برای رصد تسطیح شده‌است .

\* - طول آن چهارصد ذرع و عرضش یکصد و هشتاد ذرع معین  
شده است .

\* - از کاغذ غیاث‌الدین جمشید کاشانی ( قرن نهم ) به پدرش  
برمی‌آمد که « منبر هندسی » رصد خانه مراغه در زمان او برپا و باقی  
بوده است . اعتضاد السلطنه که خود در مباحث نجومی وارد بود می‌گوید  
« هیچکس معلوم نداشت که منبر هندسی که در میان عمارت رصد مراغه  
است چیست و از بهر چیست ؟ »

\* - از سمت غربی تپه ، دریای شها ( = دریای شاهی ) پیدا است .

\* - وصف دخمه نزدیک به تپه را که در دو صفه آن دو علامت  
قبر وجود داشته است به دست می‌دهد و از قول پیر مردی روایتی را از  
سرجان ملکم انگلیسی نقل کرده است .

\* - نقشه‌ای که از تپه رسم شده کار ملاعلی محمد اصفهانی است .

\* - ناصرالدین شاه بعد از شنیدن وصف تل و دخمه از آنجا بازدید و  
اعتضاد السلطنه را مکلف به نوشتن رساله موجود کرده است .

\* - نیمه دوم رساله در تاریخ رصدهای مشهور است که تا آن عهد  
به وجود آمده بوده است . ضمناً از آخرین ورق مستفاد می‌شود که  
اعتضاد السلطنه در صدد استخراج زیج جدیدی بوده است .

ایرج افشار

۱۵۹۴



کتابخانه دولت علیه ایران



نمبر ۲۷۸۸ X

اسم کتاب رساله در سیرت ائمه مصنف

بجه زبان

درجه عام

تاریخ تحریر

اسم محرر

بجه خط و قلم

روی کاغذ

عدد سطور و حروف

عدد صورت

عدد اوراق

جلد کتاب

قطع کتاب

وزن و مذهب

یک نسخه در چند مجلد

متن و حاشیه

ملاحظات

*[Handwritten signature]*

رساله در تصدیق و بیخ مرغمه *[Handwritten signature]*

مطبع دولت علیه ایران  
کتابخانه ملی ایران  
۱۳۸۲



بسم الله الرحمن الرحيم

سزاوار حمد ذات خداوندیت که گوهر معرفت خود را در خزان آفاق  
و نفس بود بعت نهاد و بختی آن جوهر نفیس را موقوف فرمود  
بما رفت در طرقت شعور و بلاد شکریم آیاتنا فی الأفاق و فی  
انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق و سائسته در دنیا محمد و در  
پاک مخاطب بخطاب لولاک لما علقت الأفلاک علت غایه ار  
ماه و ماهی گوینده رب ارنا الله شاکما هی است محمد روح  
پاک آفرینش و پس از آن آل و اصحاب او خصوص معیار ستوای  
سطح هستی و پرکار محیط دایره حق پرستی علی فرما زود ای پیش  
و اولاد و امجاد او که همو آفاق علم و حکم و کواکب افلاک محمد و کرمند



و بعد چون هنگام الزام رکاب قمریان مالک قاب فتح بلد  
خانج عباد مجیب صنایع و علوم مبدع بدایع و رسوم بختش چون در  
کاوین بر عفتش در حد کجالت مانند سطر نزد اسکندر  
شخص وجود همایونش در مرصده معدلت معدل حرکات افلاک جهان  
و خورشید برای جهان را آیر در افق سلطنت مطلع لوالکب با ساسی کشتی  
الذی انشره رایحه فی الافواه وهو المثلث ما خلق الله له شبهه  
و لا نظیر و لا یحتاج فی امور ملکه بشا ورة الوزیر بادشاهی  
خدا باشد سایه از نور کی جدا باشد السلطان بر سلطان  
اب السلطان ناصرین **فاجا** خلد الله ملکه و سلطانه و ارده  
مراغه شیم لهنم امور و الزم شغف دین کوه رصده بر خود محم کرده  
تا لایم حله اوله لکثوف شود که چون هلاکوخا سلطان حکما  
خواجه نصیر الدین محمد طوسی را با مرصده ما موراحت و اورا محمرد

در تعیین یک از بلدان ممالک وی که مرز ولوم آن از اقل چگون تا آتی  
روم بود و آن جناب بلده مراغه را برگزید و وجه در واضح در دست  
شود اگر حضرت از آثار عمارت رصدخانه از تغییرات زمانه باقی باشد  
مرغی کرده بعد از آنکه روز توقف در فتح کالت سفر روز شنبه  
پنجم صفر المظفر که شمس در میزان دو درجه و چهار دقیقه <sup>تقدیر</sup>  
و تاریخ پنجم ربیع الاول <sup>۱۲۷۶</sup> و هفتاد و شش ناقصه مطابق با چهارم  
کانون الخرداد <sup>۲۱۷۰</sup> ناقصه اسکندری موافق با دهم ماه جلد <sup>۱۷۸۱</sup>  
به مقصد دشتارک و یک ناقصه ملک بمیه مطابق با بیست و ششم سرطان  
ماه فرانس و چهار و دهم ششتر ماه روسی <sup>۱۸۵۹</sup> یکم ربیع الاول  
پناه دهنه ناقصه مسیحی <sup>۱۸۵۹</sup> تمام طلوع نیز اعظم من بنده علقه بانقا  
نواب اشرف و اللانایب الدیالیه فرزند میرزا و جناب استاد  
اجتنبات الدین حمیده ثانی ملا علی محمد صغری از جناب سید احمد <sup>حکیم</sup>

کاش از روضه خیا م ظفر فرجام که در کنار شهر بود نسبت غلبه  
مراغه می نمود و اهل این بلد این تر را رصد داغی خوانند و  
نیکو شناسند و ما خود نیز علم بر این داشتیم که رصدگاه در غربا غ  
واقع شده چنانکه مؤید الدین عرضی در رساله در آلات دادوست  
رصدگاه مراغه نوشته فرماید فلذکر الآن الآلات التي عملنا  
بأرصد المحروس بمدينة مراغه على آلت التزی باسباب الغربا  
منها بالقرب من المدينة وزهی عجب از صاحب و صاف و نویسنده  
ناریخ حبیب که نوشته اند رصد در شمال شهر مراغه واقع شده  
على اى حال چون برز برآید برآید تا بود وسیع و مطح اگر چه بحسب  
خلعت آن تر در نهایت خوب در مکان خوب واقع شده و  
بجهت امر رصد هم آن تر را قطع کرده اند و هم بعضی مله های دیگر که  
مانع رویت از طرف مغرب بود قطع شده و طول آن تر از شمال جنوب

چهار صد ذرع بود و عرض متر جان که منتهای عرض را دارد یکصد و شصت  
ذرع و اسی در تمام بلکان ایران بسیار است که مکانی برای رصد است  
مستور نموده که افق حقیق از طرف شرق و غرب بطوری معلوم باشد  
که هیچ چیز حالتی باشد طلوع و غروب ثوابت و سیار در نهایت جنوب  
مرئی شود و طرف جنوب ازین حالت ندارد و در شمال لکن حالتی است  
و مانع اعمال رصدیه نخواهد بود و از عمارت رصد که بر آن تکیه شده  
چنانکه مؤید الدین در همان سال میفرماید مراجب خواجه بستان  
ان عمارت نامور است اگر چه غیب من نبود اما بکبر است مشغول  
و لذات تمام بعضی آلات داد و است باز مانند چیزی باقی نیست و بمورد  
بکلی منهدم شده و در عهد سلطان شهید الخ پیک بن شایخ  
که در حدود سمرقند بنا بر رصد نهاد هنوز مبرهنه سی و در رصدگاه مانده بود  
چنانکه در کاغذی که استاد المهنه سین عیاش الدین جمشید کاشانی

که جزو اعظم در سیر صد سمرقند بود برای پدر خود در مغربت بخارکوه  
میگوید در حلقه الغ نیک فرموده بودند از برج زینت شش کز قطر داشت  
جهت رصد میسر در صد آفتاب بر پنج نظمیوس غافلند که بعد از  
نظمیوس هر رصد کردند انواع وقتها استیجاب کردند و از آن حلقه  
که نظمیوس علم کرده بودند عدول نمودند چه آن در ضلع خالی است  
و همگی معلوم نیست که مبرهنه سی که در میان عمارت رصد علم  
چیت و از بهر همین این بنده صورت حال بعضی ها یون سینه  
و تفاوتی که سبب حلقه تواند بود بعضی سینه و نیز آنکه در راه  
عصده الدوله حلقه ساخته بودند که قطر داشت و از آن سینه و فخری حلقه  
و عوض آن در رصد مراغه مبرهنه سی ساخته بودند نصف قطر این سینه  
که بود این حلقه را فرمودند که گشتند و بالت و بکره بنده گفتند  
این بود کلام خیانت الدین همیشه درین زمان از مغرب و آفتاب عمارت

چیزی باقی نمانده مگر دیوله اشیکه یکی خط نصف النهار و مواز او خط  
مشرق و مغرب فرض کرده علامت دمی در نهایت تقامت باقی  
بود در دور متاثر میان دیوار محسوس بود چیزی که مابین است  
آن بود که خط نصف النهار با قطب با قریب با نزده درجه تعاد  
داشت و اگر کشتن معش درجه او را بجهت انحراف معطس فرض کنیم  
ممکن است در باقی او چیزی که مسکت مغرب باشد و الا آن وجه او را بخبر  
توان کویستیم اگر چه اهل اروپا قائلند تغییر نصف النهار در از فیه کثیره  
که در این مرحله و حیث است چنانکه از کشتن واضح میزد یک از خطوط مواز  
خط نصف النهار نبود و پانزده درجه منحرف از آن خط بود بطریق  
آن خط سمت قبله است و سایر آثار دلالت بر آنچه لکنه رصد است  
از بنامی امینه و دیوار محتمه که بطلبیوس اورالبه خوانده است و در این رصد  
ربع نام بکفاده و لابد از دیوار و بنا بر بند سر است و است



از غربا تپه دیای شپاید است که معروف بر یای شاپر است  
و در غربا تپه دهنه رزک است که دهن دهنه رود بغرب و در آن  
دهنه راهها و سوراخهاست و در آن دهنه در صفت بزرگ است  
و در هر صفت علامت قبری است که طلح قبر از مشرق بمعرب  
وزیر قبر سردا است که میت را اینجا گذاشته اند آقا پسر مهدی  
پسر میر سلام الله نوازه میر فتح مراغه که پسر مرد است و در  
بهشت سال دارد از قول علم صاحب سبک است که در سبک قبر  
شمعون حوله ای است در اینجا در فون است الله بعلم  
در روز دیگر نواب الایاله بافتاق استاکم کتبه  
تحقیق بعضی دقیق که روز قبر فراموش شده بر  
رفتند و سبک که نمودند صورت این است و نموده  
شده است



و بعد از دیدن آن در نهمه مراتب را بعضی همیوں رسانیده علم حضرت شایسته  
 روز دیگر تماشای بر بالای تپه را کرده بدقت سباحت فرمودند هنگام  
 غروب آفتاب بود شعاع شمس گماذی خط مشرق و مغرب واقع  
 زبانه از فهارت خواججه علیه الرحمه متحد کرده در حمت فرستاده پس  
 از ملاحظت حکم با نیا کرده که شرح آن در صدر او در صنف نوشته  
 بعضی نه ه سنیه رسانیده امثالاً لامر الله علی شرح در بحر  
 بعلاوه تقصیر را صدین قدیم را مختصراً در صد بحر طوسی را مفصلاً <sup>نوشته</sup>  
 شاید معتقد خاطر هما یون کرد و اول سبکه رسیده مشهور را از <sup>طبر</sup>  
 حکیم است بعضی گویند که او در این سبک است نقیض <sup>صورت</sup>  
 همشکانه از آثار طبع شریف اوست و بعضی نوشته اند اول <sup>صید</sup>  
 که بنه شد رسد طوطی را بر سر در آسکند به منظر و فطرس خانکه  
 در محضر نیکو است در انقلاب صیف در برینه حکما <sup>نوشته</sup> که

که در الملک یونان است در سال سصد و شصت و نهم تاریخ بختصری  
رصد بسته و بعد از آن ابرخس در اسکندریه رصد بسته تاریخ بختصری  
در پانصد و شصت و شش بود پس از آن برایت و چهار و چهار سال  
مالدانوس حکیم زیک جدید جامع را اختیار کرده و بطلمیوس در پانصد و شصت و شش  
بختصر در اسکندریه در زمان سلطنتش پور رصد بسته و محط را تصنیف  
کرده پس از آن یحیی بن ابی منصور در ۱۵۷۷ یک هزار و پانصد و هشتاد و هفت  
بختصری در شامیه رصد بسته و پانصد و شصت و هفت سال از رصد  
بطلمیوس منقذی شد که کلمه مأمون خلیفه عباسی محمد بن حایر خوانی  
و خالد مروزی و عبید اسطرلاب و سنه بن علی و یحیی بن ابی منصور  
و عبید بن سعید جوهری دمشق را الاثناب کجته رصد نموده  
رصد بستند و بعد از زیک مأمون رصد و چهار و چهار سال زیک  
مبصر زیک ابن اعلم بصره در سنه ۱۵۹۹ و محمد بن علی کا در مینار و رصد نمودند

بختصری در نیشابور صد بسته و در ۷۰۷ شصت یک هزار و شصت و هفت بختصری

محمد و احمد بن موسی بن شاکر معروف به بنی موسی در سمرقند زامی رصده

و در ۶۳۶ یک هزار و شصت و سی و شش بختصری سیان بن عصیمه سمرقندی

در بلخ رصده و در ۷۱۶ یک هزار و هفتصد و هفتم بختصری ابو الحسن

عبد الرحمن صوفی کجیت غصنه الدوله و طبر رصده و در شر از صهر کو

مضبوط شصت و بعد از چهار سال ابو الوفاء بوجان در بعد از رصده

و بعد از بیست سال ابو محمود خجندری برای فخر الدوله و طبر رصده و بعد

از بیست و چهار سال ابوریحان بن احمد سپردن خوارزمی در غزنی کجیت

سلطان محمود غزنوی رصده و قانون محمودی را کجیت آن سلطان

نوشته و بعد از رصده ابوریحان بصد و سه سال حکیم حامد الدین و حکیم

اوصد الدین انوری امیر دی شاعر معروف و زاهر عبد الرحمن خان

نیک شاهی را بسته و بعد از بیست و هشت سال حکیم فرید الدین ابوالحسن

علاء بن عبد الکرم با کوفی نوح علانی را بسته چون مسکوقا آن بن تو  
خان بن جنس کیز خان در سنه ۶۴۸ شمس و چهار و هشت هجری  
و اقرم بعد از فوت کیز که خان بر سنده سلطنت جلوس کرد  
هائ در غنبتن رصده پیش از اینکه مسکوقا آن میان سلاطین  
مغول در نشر علوم ریاضی دهند نهایت مسایر اداست کجاست  
سرا بکام امر رصده حملب الدین محمد بن طاهر بن محمد الزبیر البزاری را  
برادر سلطنه خان بالغ احصا رکعبه و ما فی الصنیر را بادی تقریر کرد  
آن فاضل نخری چون از عهد این مهم خطیر بر بنی آمد اقرار بعجز و  
اعتراف بعبودیت خود کرد و تمامی مسکوقا آن فضا بنافه  
این عهد را در دل داشت تا آنکه تسخیر ایران را بعهده هلاکو خان  
برادر خود و اذ داشت او را بر بلخ داد که بعد از فتح ایران و فتح  
مستلح ملاحظه سلطان مکنجا حواجه بصنیر الدین محمد طوس را

که بطیموس در هر است و اقلیدس عصر دو یکا بی است در دست  
ملاحظه مغنول من پشده برار الملک خان بالغ فرستاده تا بدستی  
وی امر صدر افضیل داده هلاکو خان بعد از فتح میمون در  
حرفت ملایع ملاحظه بود و خواجه را تنصیحه و لذت کمال عطف  
و انبساط بملاقات شریف وی درین داشت که مثلث  
یرینغ مسکونان را نموده دیرار وانه قراقرم کند و ذکر صدر لایا نجیب  
در بیان ساد و جناب خواجه تعهد فرمودند که بعد از فتح دار کلا  
و سایش ایلمان امر صدر اسرا کابم داده و بعد از فتح دار کلا  
بعد از جمع از فضیله عصر را قلمداد نمودند و تهنیه اسباب صدر را از  
ایلمان خوانسته و هلاکو خان فرما داد تا مؤید الیه بن برکات  
مبارک العرضی الشکر که عرض قریه الیت بهشت و در دمشق برای  
ملک المرصود صاحب جمعی در حضور وزیر نجم الدین اللودی مشغول

فلا وساختن التصدی بود و فخرالدین مراغی که بمصر بود  
و محی الدین اخلطی که بتعلیس بود و ابو الحسن عیابن عمر القزوی بمصر  
بنجم الدین و پیران که در قزوین بود و من شمسیه منظره تصنیفا  
اوست در وزارت خواجسته حس الدین حمزه تصنیف کرده و قطب الدین  
علامه شیرازی مصنف درة التاج از علامه انجناب بود و در  
صفت ایشان بعد از حضور فضلا و اتمام اسباب رسد در چنانکه  
مؤید الدین مفضل نوشته محرر با سامی آنها جنصار میگفتند  
اقت التلیت که اورا بطلمیوس رلبنه و در آن رسد ربع خولده اند  
محتاج است بر بولد محمد از جنوب شمال تا الت ذات اسکت  
و آن پنج حلقه است در میان کلبه بگردان استغذ و است این را  
از ذات اسکت سه بطلمیوس ذات اسکت نعه تا و آن کلبه  
و الت شیم التلیت بطلمیوس وضع کرد برای دستن مید و الت حاتم

از آن که تا آنکه بطریق سر نامیده است التی که خبر میدهد از آن  
شمر یک از هر نقطه بعد از آن و آن پنجم ذات الهدیه است  
که در ذات الثقیب نیز گویند و آن ششم ذات الرعین است  
که بجای ذات اعلیٰ نصب کرده و از وی نیز گویند و آن هفتم  
ذات السطواتین است ششم ذات الحیب و التمام پنجم  
ذات الحیب و التمام و التمام است کامله و ملک عشره کافه  
و بعد از حضور اینها تمام اسباب رصد در ۶۵۷ شصت و  
پنجاه و هفت نجومی در بلده مراغه در عرض شصت از خط استوا  
سی و هفت درجه و سبب دقیقه و طولش از جزایر خلد است  
هشتاد و دو درجه زاویه انحراف که از خط نصف النهار شصت و نهم  
درجه بنای رصد را نهاده و تا ۶۶۳ شصت و شصت و سه دقیقه در  
گاه مغز صنط حرکت نماید و عرض و سایر عمل بود چنانچه

چون در ربیع الآخر آن سال هلاکوخان از بلاق مرزغه بمشلاق  
چغقورفته در بین راه بکته در گذشت امر صد بهمان قدر باقی ماند  
و قضیه بستن رصده را محرز طوس در راه زین مفصل بیان کرده  
در تاریخ فوت هلاکوخان گفته چون هلاکوز مرزغه برستان گشته  
کرد تقدیر ازل نوبت عمرش آخر سال بر شد و شد و شد  
که شب نوزدهم بدربار ربیع الحسنه و بعد از آن رصده بانکه روزگار  
شیخ محیی الدین مغربالزیح او در اتمام کرد و لذت اشغال که در اینجا  
ایمانه بود حدیث است و بعد از رصده ایمان در ۸۴۱ هجری هشتصد  
چهار و یک هجری بمکه سلطان شهید الغ بیگ بن شاهرخ بن تیمور  
کورگان بدست عاقبت و علم آن خاقان معتقد غیاث الدین  
جمشید کاشغر و صلاح الدین موسی المشرقی بقاضی زاده رود مر و عیان  
محمد و شجر در محروسه سمرقند زین سلطان با تمام رسیده و بعد از آن



و بعد از آن بانکه روزگاری سهمیه بن برج از حمیدی و عبد الصمد  
بیرجندی کتیب آن رصد کرده هر یک شرحی بزنج سلطان نوشته  
و پس از آن رصدی بسته نشد مگر در زمان شاه سلیمان صفوی  
شرح برکت زینک نوشته و این علم را کتیب کرد پس از آن در عهد  
سلطنت محمد شاه پندی سلطانه محمد دمان باریه در دپاشاه  
جهان لاکت راجه جی سندنک و میرزا خیرآله و شیخ عبد  
صمد سردر <sup>۱۱۳۱</sup> کتیب از دکتیب و سی دکتیب بزنج صید نموده  
با تمام سینه و همچنان ابن علم متروک مانده و ملوک بعد در رصد  
کتیب تصانیف ابن رصد بر نیامده تا اینکه در زمان این شهنشاه  
جهان پناه دولت وی جاوید باد ستمیلات در جبر اول  
بزرگ شده و تحقیقات در مراتب وی گشته که اگر چندین رصد در  
کثیره بسته شدی آفتد فایده ندادی علاوه بر تحقیق حساب ستاره

چنانکه من خود چندین جدول را تهیه کرده امید آنکه عما قریب رصدی  
مخصوص بسته شود و زنج ناصری ناسخ زنگنه است کرده و در زنج کسبی  
مستقیم فرانس جدول در ذکر راصدین بود آنچه راصدین ایران بود  
و نوشته بودیم پرودن کرده باقی را بهت نموده و آنچه در کتاب از  
اسمی لاصاد دیده و تاریخ وی معلوم نیست زنج ناون اسکندر  
دیزج کوشیار دیزج صفیج دیزج و یحیی بن رستم کوشیار با بهر تو که

مت ارسال

## جدول این کتاب

راصدین که در بیج کبیری ذکر کرده

قبل المیلاد	
۲۳۰	راوندین
بعد المیلاد	
۳۹۰	بابوس
۸۸۰	الباقینوس عرب
۱۰۷۰	لذات
۱۳۰۰	بروقا جیوس
۱۴۶۰	رکبومونتاوس
۱۵۰۰	دالتروپوس
۱۵۰۰	کیرنیک پروسی
۱۵۷۰	دانن
۱۵۷۰	تتو
۱۶۰۰	قاسندی
۱۶۵۶	قاسین
۱۶۷۲	رهم
۱۷۳۸	کبیری

کتابخانه  
موزه و مرکز اسناد  
سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران